

تأکید شهید رئیسی بر تحول در حوزه دیپلماسی فرهنگی

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی به‌عنوان رئیس جمهوری یادکرده همواره بر تحول در حوزه دیپلماسی فرهنگی تاکیدمی‌کرد.

حجت‌الاسلام محمدمهدی ایمانی‌پور در مجلس یادبود رئیس‌جمهور شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی گفت: رویکرد تحولی در سازمان فرهنگ

ادبیات پایداری از خاکریز تادفتر شعر

کامران شرفشاهی، شاعر پیشکسوت دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جام‌جم» سیاست‌زدگی و باندبازی را موانع ظهور استعداد‌های ادبی دانست



علی‌نقاره‌ری
جام‌جم آنلاین

با کامران شرفشاهی از دلایل شکوهمندی ادبیات فارسی و فضای خنثی و میان‌مایه‌ای که این‌روزها دچارش شده، صحبت کردیم. به اوج ادبیات پایداری و سردمداری ایران در جهان اسلام در این باره پرداختیم که

تجسین شاعران عرب را در پی داشت

اما اکنون انگار فضا دیگرگونه شده! شور ستیهنده شعر اعتراض

دیگر در گ‌وپی مخاطبان اسب نمی‌تازد زیرا شعری که چنان

شورآفرین باشد تا خون را به خروش درآورد و قلب را به تپش

ببندازد، انگار آفریده نمی‌شود اما چرا؟ چرا دیگر شاهد طلوع

جریان‌های مستمر ادبی نیستیم و منتظر نشر فلان مجموعه

شعر یا فلان شعر از این یا آن شاعر نیستیم! با ما این گفت‌وگوی

منتقدانه رایجخواند.

[۱] دفاع مقدس که شما از پیشکسوت‌های شعرش هستی،

شوری ستیهنده داشت و در عین حال پلی می‌زد به ادبیات

موسوم به پایداری که به شعر مقاومت و فلسطین و قضیه غزه و

لبنان می‌پرداخت. اینجاد در «جام‌جم» برای نخستین بار در ایران

اصطلاح «جنبش هنری غزه» طرح و بررسی شد و دیدیم که

به‌راستی رسانه‌های نوین در این باره شوری جهانی به‌پا کردند و

مردم دنبایه دفاع از غزه و مظلومیت شان با هنر ها و کنشگری‌های

گوناگون برخاستند اما می‌بینیم ادبیاتی که در این زمینه شکل

گرفت، در کشور ما، همانند گذشته، رنگ و بوی مثلا ادبیات

دفاع مقدس را ندارد. آیا شور حماسی ما کم شده؟ یا عوامل

دیگری دخیل‌اند؟

به‌نظر من، شاعران در این زمینه کوتاهی نکرده‌اند. سال‌ها

در کنار شعر دفاع مقدس، ادبیات

پایداری هم داشتیم که به

نهضت‌های رهایی‌بخش در

سرتاسر دنیا می‌پرداخت.

این ادبیات، در شکل طبیعی

خود، جنبه سفارشی نداشت

و شعرهایی که سروده

می‌شد، غالبا جوششی و برآمده از وجدان انسانی شاعران بود. تا این‌که به‌مرور، جنبه جشنواره‌ای به این موضوعات دادند. دخالت‌هایی صورت گرفت که مسیر را تغییر داد و موجب شد هرکس برای چندسکه یا جایزه‌ای، به شعرسازی روی آورد.

[۲] و مدیرانی نیز برای رزومه...

بله. مسائل پشت‌پرده و باندهای ادبی پیش

آمدند. این‌ها به اشخاص و آثاری جایزه دادند

و سعی کردند این اشعار و آثار را بزرگ کنند. در

مجموع، این حرکت‌ها نه‌تنها موجب رشد

ادبیات پایداری نشد، بلکه به آن صدمه زد.

شاعران زیادی از این حوزه رویگردان شدند و

اگر شعری هم سروردند، دیگر در جشنواره‌ها

شرکت ندادند؛ یا خودشان منتشر کردند، یا

حتی منتشر نکردند.

مسأله‌لبنان و فلسطین، همواره دغدغه شاعران

مابوده. حتی در سال‌های قبل از انقلاب، شاهد

نمونه‌هایی هستیم در شعر شاعرانی که تفکری دگرگون داشتند

اما از چشم‌انداز اندیشه‌های بشری کوشیدند تا در برابر ستم

به گروهی از مردم در بخش دیگری از جغرافیا، سکوت نکنند و

پیام‌آور فریاد و مظلومیت آن مردم باشند.

در سال‌های بعد از انقلاب، آن یکی دو دهه اول، این جریان

طبیعی بود اما اشخاصی آمدند و سعی کردند از این نمذ

برای خودشان کلاهی درست کنند و این‌گونه مسائل بود که

رفته‌رفته تأثیر گذاشت روی این ماجرا. من خودم، پس از

ماجرای غزه، در آن سال‌های نخست که این مسأله حاد شد،

تقریبا فکر می‌کنم در دهه ۸۰، نخستین مجموعه شعر را در این

خصوص منتشر کردم.

[۳] عنوانش هم «سرزمین ستاره وزیتون» بود اما یادم هست که

وعده دادید این کار ادامه پیدا می‌کند...

اما متأسفانه کوتاهی شده به‌ویژه آسوی نهادها و ارگان‌هایی که

بودجه‌های هنگفتی دریافت می‌کردند برای ادبیات پایداری.

در عمل معلوم نبود این بودجه‌ها صرف چه‌کاری می‌شد و

البته عملکرد این سازمان‌ها مثبت نبود. با دم‌دوستانه

و ساختمان‌های بزرگ و کارمندان فراوان و

بودجه‌های آن چنانی اما عملا هیچ خروجی

نداشتند. و باز در خصوص این مسأله،

خودکنگره‌های شعر دفاع مقدس

بود، کنگره‌های ادبیات پایداری بود.

این حرکت‌ها تا سال‌هایی منظم

و باشکوه و کارشناسی‌شده برگزار

می‌شد و بعد از مدتی دیدیم

اصلا قطع شد. یعنی آن

ساختمان‌ها و خدم و

حشم و تشکیلات، همه سر جای خودشان بود اما دیگر از این

مجموعه‌ها حرکتی دیده نمی‌شد.

[۴] این کنگره‌ها فقط بحث ارائه آثار تازه یا ایجاد انگیزه برای

سرودن اشعار تازه یا مقالات تازه نبود، بلکه فرصت

بزرگی بود که شاعران کشور می‌توانستند از تمام

نقاط کشور گروه‌هم آیند و تعامل داشته باشند. خود

این مسأله و همچنین الهام‌بخشی چنین دیدارها

و نشست‌هایی، تأثیرشان به‌سزاست.

در آن سال‌ها خیلی از دوستان شاعر، همدیگر را در

همین کنگره‌های شعر دفاع مقدس و در کنگره‌های

ادبیات پایداری پیدا می‌کردند. ولی متأسفانه

تشکیلات فرهنگی کشور ما که می‌بایست فعال‌تر

می‌شد، دچار رکود و کارمندسالاری و بروکراسی و

این جور مسائل شد و این خلاء از همان سال‌ها

آغاز شد.

دلبیش هم غالبا سپردن امور به مدیرانی بود

که نه دانش لازم برای این کار را داشتند و نه درد

و دغدغه این‌گونه مسائل را. بیشتر ترجیح می‌دادند میز و

صندلی‌های شان را حفظ کنند و نگرش‌شان هم این بود که

دیکنه نا نوشته غلط ندارد. چراکاری بکنیم که فردا باید پاسخگو

باشیم! و این بود که رویکرد خنثی‌سازی، گریبانگیر نه‌تنها این

سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌هایی شد که مسئولیت حفظ و اشاعه

فرهنگ دفاع مقدس را داشتند، بلکه واگیر تمام سازمان‌ها،

مراکز، حتی فرهنگسراها ما شد. عملا هم دیدیم که رفته‌رفته

مردم از این مراکز فاصله گرفتند، چون دیگر برنامه‌ای برای ارائه

نداشتند. وقتی برنامه‌ای نباشد، نمی‌شود توقع داشت که

مخاطب‌کماکان ارتباطش را حفظ کند.

بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلاتی که بعدها به وجود آمد، پیرو

این مسائل بود و مسببش مدیرانی بودند که به‌سبب رابطه وارد

این حوزه شدند. اکثر این اشخاص، از حوزه‌های دیگر وارد قلمرو

هنر و ادبیات شدند؛ اشخاصی که در حوزه‌های دیگر موفق

نبودند و از آن حوزه‌ها رانده شده بودند. چه حوزه‌ای بهتر از هنر

و ادبیات که حالا همه می‌توانند به‌شکلی خودشان را علاقه‌مند

نشان دهند و مجموعه‌ای بزرگ را دنبال خود بکشانند!

[۵] پیردا زیم به زیرکی و ویژه‌ای که معمولا شاعران در پرورش نسل

جدید داشته‌اند. شما تجربه‌ای غنی دارید در پرداختن به شعر

کودک و نوجوان. من الان یکی از بهترین خاطره‌هایم، خواندن

کتاب‌های کانون پرورش فکری قبل از انقلاب است. همین دیروز

داشتم کتاب «نبرد اهریمن و اهورامزدا» را، با آن نقاشی‌های

سياه و سفید نمادین و زیبا. برای چندمین بار می‌خواندم. آن

آموزه‌های کودکی همیشه با ما ست. آیا شعر کودک و نوجوان هم،

که شما از آن اطلاع مؤثر دارید و در آن کار کرده‌اید، -چه در دوره

پیش از انقلاب، چه اواایل انقلاب- همان‌طور که من احساس

می‌کنم، خنثی و یاس‌توریزه شده؟ یا فعالیت مشاهده نمی‌شود،

قوت و توسعه فعالیت‌های مادر دوره حیات ایشان شد. ایمانی‌پور افزود: شهید رئیسی همواره ما را به امر تحول در حوزه دیپلماسی فرهنگی تشویق و ترغیب می‌کردند. ایشان که پیش از ریاست جمهوری، خود از مبلغین حوزه بین‌الملل بود، درک درستی از کار فرهنگی در خارج از کشور داشتند و برای مسأله تبلیغات خارجی اهمیت فراوانی قائل بودند.



این اتفاق نه‌تنها در ادبیات کودک و نوجوان ما، بلکه در سایر رشته‌های ادبی هم می‌افتد. یادم است آثاری منتشر می‌شد که

اصلا کارشناسی نشده بود و سطح پایینی داشت.

[۶] اما یک سری کتاب هم بود. یادم هست، با نقاشی‌های خوب

صادق صندوقی درباره زندگی اهل بیت. خوب بود، البته فقط

روایت بود؛ تاریخ خشک بود. پیام نهفته نداشت اما به‌هر حال

روندی جذاب بود اما دیگر این روند ادامه پیدا نکرد. مثل

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» که روندی و ساختاری

داشت، یک دوره بود اما این رُوندسازی و مجموعه‌پردازی تمام

شد. آذر یزدی دیگر ادامه پیدا نکرد. و دیگری نیامد تا خلافتی

به خرج بدهد و کاری بکند. کسانی که این جور روندهایی را تولید

می‌کنند، مثل آذر یزدی، چرا کم‌اند؟ چرا نیستند؟ در حالی که الان

باید به تجربیات کسانی توجه کنیم که با یک ذهنیت منسجم،

نگاهی جدید به متن داشته باشند و ذهن کودک و نوجوان را با

ریشه‌ها آشنا کنند.

مثال خوبی‌زدید. کتاب‌های مرحوم مهدی آذری، واقعا خیلی‌ها

از نسل ما را با ادبیات کلاسیک آشنا و ترغیب کرد به کتاب‌خوانی.

من خودم از خریداران کتاب‌های مرحوم آذری یزدی در

سال‌های قبل از انقلاب بودم و با علاقه و اشتیاق زیاد این کتاب‌ها

را می‌خواندم. ناشر این کتاب‌ها، فکر می‌کنم انتشارات امیرکبیر

بود. جالب است این مؤسسه قبل از انقلاب چه کتاب‌هایی

منتشر می‌کرد و بعد از انقلاب به انتشار چه کتاب‌هایی افتاد و

رفته‌رفته اعتبار خودش را در بین مخاطبان از دست داد. این

مسائل باید آسیب‌شناسی بشود که چرا شخصی مثل آقای

جعفری می‌آید و این مؤسسه را به آن درجه از

اعتبار و محبوبیت می‌رساند و چرا در سال‌های

بعد از انقلاب این مؤسسه سال‌به‌سال آن اعتبار و

جایگاهش را از دست می‌دهد؟

درباره مجموعه‌پردازی باید افزود: ظهور

شخصیت‌های بزرگ، یک استغناست، جامعه‌شناس‌ها و روانشناس‌ها

معتمدند که یک سری عوامل باید دست به دست هم بدهند تا

یک شخصیت بزرگ در جامعه‌ای ظهور کند. بعضی

از سازمان‌ها و تشکل‌ها می‌توانند در فراهم آوردن

زمینه مساعد برای ظهور چنین شخصیت‌هایی

نقش مثبتی داشته باشند اما بالعکس، می‌بینیم

که -مثلا من در تجربه خودم- استعدادهایی

آمده‌اند، منتها در آسمان ادبیات ما مثل عبور

یک شهاب بوده‌اند؛ لحظه‌ای درخشیده‌اند و بعد

سوخته و ناپدید شده‌اند.

[۷] چرا؟

برمی‌گردد به این‌که این استعدادها کشف نشده‌اند،

یا این‌که آمده‌اند جلوا اما دست رد به سینه‌شان زده شده. الان،

در این چند دهه اخیر، فضای ادبیات ما دچار باندبازی‌ها و

سیاست‌زدگی‌هاست. خود این مسأله باعث می‌شود خیلی

از این استعدادها به حاشیه رانده شوند. در بعضی از همین

نهادها، ارگان‌ها، سازمان‌ها، موسسات، شوراهای تصویب

کتاب، متأسفانه اعضای شورا به‌جای این‌که مصالح جامعه و

مصالح ادبیات ما را در نظر بگیرند، مسائل شخصی خودشان را

در نظر می‌گیرند و کار خیلی‌ها را رد می‌کنند. این رشدن، گاه

مقارن می‌شود با این‌که طرف برای همیشه از ادبیات دل‌زده

شود. اگر هم آدم سمجی باشد، این‌در و آن‌در می‌زند و ناشر

دیگری پیدامی‌کند اما می‌خواهم بگویم فضا همیشه برای همه،

برای کشف همه استعدادها، برای میدان دادن به همه کسانی

که دارای شایستگی هستند، سالم و مثبت نبوده، حتی می‌بینیم

خیلی از چهره‌ها و شخصیت‌های ادبی، فرهنگی و هنری ما،

توسط عده‌ای به شکل‌های مختلف

از میدان خارج شده‌اند. برای این‌که

فقط خودشان دیده شوند و از منافع

بیشتری برخوردار باشند.

برای خواندن متن کامل کپوآرکد را اسکن کنید.



کتاب‌های
مرحوم مهدی
آذری، واقعا
خیلی‌ها از نسل
ما را با ادبیات
کلاسیک آشنا و
ترغیب کرد به
کتاب‌خوانی. من
خودم از خریداران
کتاب‌های مرحوم
آذری یزدی در
سال‌های قبل از
انقلاب بودم و با
علاقه و اشتیاق
زیاد این کتاب‌ها را
می‌خواندم

[۸] و اشخاص فرصت طلب هم با کار تفتنی وارد این عرصه

شدند.

و البته کارهای ضعیفی منتشر کردند. کارهای ضعیف معمولا

جا را برای دیده‌شدن کارهای خوب تنگ می‌کنند و از طرف

دیگر، موجب دلزدگی مخاطب می‌شوند. کافی است چند کتاب

نامناسب بخواند تا برای تمام عمرش از مطالعه کتاب‌های

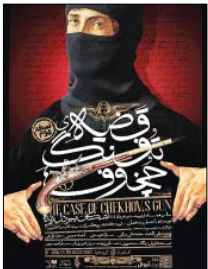
جدید دل‌زده شود.

فضا باز می‌شد روزبه‌روز برای شعرهای خنثی، شعرهایی که در یک فضای مه‌آلود قرار داشت و اصلا معلوم نبود چه می‌خواسته بگوید، یا چه گفته. هر چقدر شاعر خنثی‌تر بود، بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت.

نگاه که می‌کنیم می‌بینیم... رفته‌رفته، از دهه سوم به بعد، شاهد آثاری هستیم که حالت تخیذیری ادبیات دوره قاجار را دارند. فضای مظلومگرایی و اشک و ناله و زاری و ستم‌کنشی ادبیات آیینی دوره قاجار را دارند. شمایل ستم‌ستیز امام حسین (ع) را به نمایش نمی‌گذارند و این قضایا، گویا پشت این مسأله اشخاصی بودند که نمی‌خواستند جامعه‌ما حرکت روبه‌رشد و خودشناسی را پیدا کنند.

مشکل گریبانگیر ادبیات

اگر قبول داشته باشیم -که البته همه‌جای دنیا می‌گویند- شاعران و هنرمندان شاخک‌های تیزی دارند و خیلی مسائل را جلوتر پیشگویی می‌کنند؛ جامعه و حکومت‌ها باید با این پیشگویی‌ها و پیش‌بینی‌ها همراه شوند و از آن بهره‌برداری کنند تا پیشرفت کنند. اگر نتوانند، دچار درج‌ازدن یا سیر قهقرایی می‌شوند. این مشکل، رفته‌رفته گریبان ادبیات ما را گرفت. رفته‌رفته شاهد بودیم که نشریات سرباز می‌زدند از چاپ آثاری که حرفی برای گفتن داشت.



«قضیه تفنگ خخوف» دوباره اجرا می‌شود

نمایش «قضیه تفنگ خخوف» به‌کارگردانی اشکان پیردل زنده پس از ۸۰ اجرا، با نسخه‌ای جدید به صحنه بازمی‌گردد.

این نمایش که نوشته احسان بدخشان است، از فردا ساعت ۲۰ در سالن هما روی

صحنه می‌رود. تهیه‌کننده این نمایش که اثری از گروه دارماست، ریحانه راد

و مشاور پروژه و سرمایه‌گذار، صهبا خلدبرین هستند.

بازبگران این نمایش به ترتیب ورود به صحنه عبارتند از محمدعلی الحمد،

محمدعلی براتی، مریم بصیری‌فر، احمد صمیمی، سعید زارعی، شیده

غفاریان، یگانه منصوری، حسام زرنوشه، سارا عزیزی و سارا موسوی.

در داستان این نمایش، ۹ تن از مشاهیر بزرگ جهان برای اولین بار در دنیای

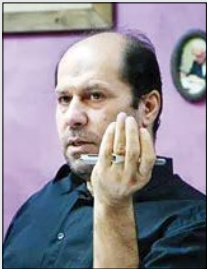
پس از مرگ با هم وارد مسابقه‌ای می‌شوند.

دیگر عواملی که در نسخه دوم نمایش قضیه تفنگ خخوف، اشکان

پیردل زنده را همراهی می‌کنند، عبارتند از گروه کارگردانی: امیرعباس

رحمانی، یاسمن خلدبرین، سارا موسوی و...

«شاعری در پیرانتز» کتاب جدید شکارسری



کتاب «شاعری در پیرانتز» اثر حمیدرضا شکارسری با نگاهی به اشعار عباس کیارستمی برای اولین بار در سی و ششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد شد. رضا حاجی‌آبادی، مدیر انتشارات هزاره ققنوس، در گفت‌وگو با ستیم، با اشاره به فعالیت‌های این نشر در نمایشگاه گفت: ما امسال با ۲۲ عنوان کتاب جدید در این رویداد حاضر هستیم؛ ضمن این‌که امسال برای نخستین بار در بخش بین‌الملل نیز فعال خواهیم بود. وی از کتاب شاعری در پیرانتز به‌عنوان یکی از کارهای جدید هزاره ققنوس یاد کرد و افزود: این اثر که به‌قلم حمیدرضا شکارسری نوشته شده، به نقد و بررسی اشعار زنده‌یاد عباس کیارستمی می‌پردازد. در واقع شکارسری در این کتاب سروده‌های این کارگردان مطرح را هم